



نگاه مردم و مسئولان به رشته‌های هنری بهتر شده است

الهه کارزاده

فضای دروس کارگاهی مانند فضای درس‌های تئوری، خشک و رسمی نباشد

□ **توانایی‌های هنرآموزان را در هنرستان‌های هنری آموزش و پرورش چگونه می‌بینید؟**
■ با توجه به این که حدود ۱۰ سال است در گروه‌های آموزشی فعالیت می‌کنم و شناختی که نسبت به هنرآموزان پیدا کرده‌ام، آن‌ها را از منظر دانش و آگاهی و توانایی و استعداد تدریسشان به ۴ گروه تقسیم می‌کنم:

گروه اول؛ هنرآموزانی که پایه‌ی تحصیلی‌شان هنر است و فن بیان و اطلاعات بالادارند. این‌ها توانایی خوبی در تدریس دروس نظری دارند ولی در بخش عملی خیلی توانمند نیستند؛ البته این ضعف چندانی به حساب نمی‌آید، چون برخی از دروس مانند «تاریخ هنر» فقط به صورت اطلاعات نظری است و مادر این بخش می‌توانیم از وجود آن‌ها بهره کافی ببریم.

گروه دوم؛ هنرآموزانی با پایه‌ی اصلی رشته هنر، که در بخش نظری متوسط‌اند ولی در کار عملی چندان توانمند نیستند.

در گذشته به دانش‌آموزانی که از لحاظ درسی ضعیف بودند و در رشته‌های دیگر پذیرفته نمی‌شدند، پیشنهاد می‌شد که رشته‌ی هنر را انتخاب کنند و به هنرستان بروند. ولی حالا با تغییر فرهنگ خانواده‌ها و افزایش اطلاعات مسئولین آموزشی و خلاصه آگاهی همه نسبت به انتخاب رشته‌های هنری وضع بهتر شده است. به طوری که برای رشته‌های هنری در هنرستان‌ها آزمون ورودی برگزار می‌شود.

□ **آموزش و فضای آموزشی هنرستان‌ها چه تفاوتی با رشته‌های نظری دبیرستان دارد؟**

■ با توجه به این که بیشتر دروس هنرستان عملی است و به صورت کارگاهی ارائه می‌شود قطعاً فضای آموزشی هنرستان، چه از نظر ساختار معماری و چه از نظر ارتباط بین معلم و شاگرد، متفاوت از دبیرستان است. به لحاظ زمانی هم دروس عملی هنرستان‌ها معمولاً به صورت ۶ یا ۸ ساعته است و اگر ارتباط دوستانه و صمیمی در کلاس برقرار نشود مسلماً این زمان خسته کننده و کسالت‌بار خواهد شد. به طور کلی در هنرستان‌ها فضای آموزشی باید طوری باشد که

□ **لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید و سمت و سوابق کارتان را توضیح دهید.**

■ با سلام، زهرة میرزا کوچکی هستم، متولد سال ۱۳۴۲ در شهرستان بروجن، از استان چهارمحال و بختیاری؛ مدرک کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی از دانشگاه هنر تهران دارم و در حال حاضر با سمت هنرآموز، مدرس تربیت‌معلم سرگروه گروه آموزشی گرافیک و نقاشی استان اصفهان از سال ۱۳۷۹ تا کنون خدمت می‌کنم. دارای تعدادی طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی هم هستم (رساله‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و مقالات پژوهشی و...) در ضمن مقاله و پوستر رساله‌ام در اولین همایش میراث فرهنگی در سال ۱۳۷۵ پذیرفته شد.

□ **جایگاه آموزش هنر (هنرستان‌ها) را در آموزش و پرورش چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

■ جایگاه هنر در چند سال اخیر بسیار بهتر شده و نگرش مردم، چه مسئولان آموزش و پرورش و چه اولیای دانش‌آموزان، نسبت به رشته‌های هنری بهبود چشمگیری یافته است.



که کسب کرده‌اند می‌توانند جذب بازار کار شوند؟

■ می‌دانید که رشته‌های هنر در دو بخش آموزش فنی حرفه‌ای و آموزش کار و دانش ارائه می‌شود. در قسمت کار دانش برنامه‌ی آموزشی به این صورت تعریف شده است که هنرجوی فارغ‌التحصیل باید مهارت کافی را در رابطه با رشته‌ی خود کسب کند تا بتواند جذب بازار کار شود باید بگوییم که تخصص فراگیران در رشته‌های کار دانش با کسب تجربه در حین کار کامل‌تر می‌شود. در قسمت فنی و حرفه‌ای، اما هدف این است که دانش آموز، یا هنرجو، در مورد رشته‌ی تحصیلی خود شناخت و مهارت لازم از جهت نظری و عملی پیدا کرده و اصول اولیه را یاد بگیرد و سپس در دوره‌ی کاردانی پیوسته مهارت بیشتری کسب کند.

□ آیا هنرجویان با دانش و آگاهی کافی رشته‌ی خود را انتخاب می‌کنند؟ به‌طور کلی شناخت و اطلاع‌رسانی در مورد رشته‌های هنر چگونه است؟

■ در سال‌های اخیر اطلاع‌رسانی در این زمینه بهتر شده ولی هنوز کافی نیست. یکی از عللی که این اطلاع‌رسانی به درستی صورت نمی‌گیرد، این است که مشاوران ما خیلی با رشته‌های هنری آشنایی ندارند و یا دید مثبتی در این زمینه ندارند. در سال‌هایی که چندین دوره، در آموزش و پرورش ما چند تا رشته مطرح بوده که در رأس قرار داشتند (ریاضی، تجربی و علوم انسانی) و بعد از آن رشته‌های هنرستانی بودند. حتی

بدرخشند

□ شیوه‌ی تدریس هنر در آموزش و پرورش چه تفاوتی با آموزش هنر در آموزش عالی دارد؟

■ در هنرستان‌ها هنرآموز با هنرجویی در ارتباط است که هیچ چیزی از هنر نمی‌داند. پس هنرآموز وظیفه دارد الفبای هنر را به او بیاموزد. در این جا، درس ارائه شده پایه‌ای هستند؛ مانند مبانی هنرهای تجسمی و طراحی، در حالی که در آموزش عالی هنرجو از قبل اطلاعاتی در رابطه با رشته هنری انتخابی خود دارد و باید به‌طور تخصصی و حرفه‌ای آموزش ببیند. در واقع هنرجویان در هنرستان الفبای هنر را در یک رشته آموزش می‌بینند ولی در دانشگاه حرفه‌ای شدن را آموزش می‌بینند.

□ آیا هنرجویان هنرستان‌ها پس از اتمام تحصیلات و توانایی‌هایی

گروه سوم؛ هنرآموزانی که در هر دو بخش نظری و عملی توانایی‌های لازم را دارند. اگر همه‌ی هنرآموزان ما این دو ویژگی را با هم می‌داشتند خیلی بهتر بود.

گروه چهارم؛ هنرآموزانی که تحصیلات نامرتب دارند و با داشتن تجربه و دانش شخصی به آموزش هنر روی آورده‌اند. در سال‌های گذشته که آموزش و پرورش با کمبود نیروی آموزشی در هنرستان مواجه بود از این گروه هنرآموزان بیشتر استفاده می‌شد ولی در سال‌های اخیر با توجه به ازدیاد نیروهای متخصص، خود به‌خود بسیاری از آن‌ها حذف شده‌اند. با نگاه به روند کاری این گروه متوجه می‌شویم که چون کار را به صورت تجربی یاد گرفته‌اند و مخاطبشان عام هستند خیلی در سطح هنرستان‌ها کارآمد نیستند، هرچند ممکن است در بیرون از فضای هنرستان بسیار

در هنرستان‌ها هنرآموز با هنرجویی در ارتباط است که هیچ چیزی از هنر نمی‌داند. پس هنرآموز وظیفه دارد الفبای هنر را به او بیاموزد

در هنرستان‌ها فضای آموزشی باید طوری باشد که فضای دروس کارگاهی مانند فضای درس‌های تئوری، خشک و رسمی نباشد



در هنرستان‌ها هم باز تقسیم‌بندی وجود داشت و یا دارد. به‌طور مثال، رشته‌هایی مانند حسابداری و کامپیوتر در رأس توجه قرار دارند و بعد از آن‌ها رشته‌های هنر به ترتیب ارزش‌گذاری می‌شوند. یکی از مواردی که باید به آن توجه شود آموزش بیشتر و روزآمدتر مشاوران تحصیلی است تا اطلاعات کافی در مورد تمامی رشته‌ها داشته باشند و بتوانند دانش‌آموزان را صحیح و با توجه به علایق و استعدادشان راهنمایی کنند. البته گام‌هایی در این زمینه برداشته شده و فعالیت‌های زیادی صورت گرفته ولی کافی نیست.

□ نقش فناوری‌های آموزشی و استفاده از مولتی‌مدیا در آموزش هنر چیست و آیا اصولاً از این امکانات در هنرستان‌های ما استفاده می‌شود؟

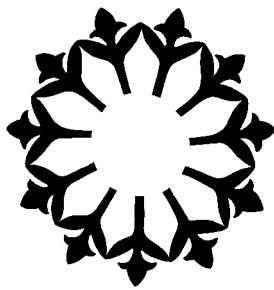
■ دنیای امروز، دنیای دیجیتال و ارتباطات است و اگر ما آن را در هر

قسمت و زمینه‌ای حذف کنیم ضرر کرده‌ایم و از امکانات روز عقب می‌مانیم. در سال‌های اخیر به استفاده از وسایل مولتی‌مدیا توجه شده و حداقل کاری که صورت گرفته خرید این‌گونه وسایل برای هنرستان‌ها بوده؛ در بعضی از موارد هم با توجه به تأکیدی که در بعضی از بخش‌نامه‌ها می‌شود هنرآموزان ملزم شده‌ام که از این‌گونه وسایل استفاده کنند. این کار به تدریج شروع شده است و هنرآموزانی که استفاده می‌کنند مشوقان خوبی برای دیگران‌اند، چون سادگی کار و تأثیرات آن را متوجه می‌شوند و استفاده از این وسایل را به دیگران توصیه می‌کنند.

□ لطفاً در مورد رشته‌ی گرافیک، درس‌های این رشته و بازار کار آن در ایران توضیحاتی بفرمایید.

■ درس‌های رشته‌ی گرافیک شامل دو بخش است. یکی بخش دروس عمومی که در تمامی رشته‌ها مشترک است. مانند ریاضی، تاریخ، جغرافی و... دوم بخش دروس تخصصی که در سال‌های اخیر تغییراتی هم در آن‌ها صورت گرفته است. مثل درس کارگاه گرافیک که ۸ ساعت در هفته ارائه می‌شود. همچنین دروس تصویرسازی که ۶ ساعت و خط در گرافیک و صفحه‌آرایی که هر کدام ۳ ساعت برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. دروس تخصصی دیگری هم، چون مبانی هنرهای تجسمی (۶ ساعت) چاپ دستی (۴ ساعت) طراحی ۱ و ۲ (هر کدام ۶ ساعت) عکاسی ۱ و ۲ (هر کدام ۴ ساعت) و خوش‌نویسی (۳ ساعت) همچون گذشته ارائه می‌شود. به‌طور کلی برنامه‌ی درسی رشته‌ی گرافیک در سال‌های گذشته





وهنت و ههبتنگی ملی



باغ پرندگان

نیست. رشته‌ی نقاشی اگر چه مادر همه هنرهاست ولی می‌تواند مخاطب نداشته باشد و هنرمند تنها برای خود و احساساتش کار کند ولی در گرافیک همیشه توجه به گیرنده‌ی پیام و مخاطبان ضروری است و همیشه کار برای سفارش دهنده‌ای انجام می‌شود و شاید به همین جهت بازار کار بهتری نیز دارد.

□ **امروزه گرایش به سمت رشته‌ی گرافیک در هنرستان‌ها بیشتر شده است؛ دلیل را چه می‌دانید؟**

■ اولین دلیلش را من این‌طور می‌بینم که خود اسم و لفظ گرافیک در نظر مردم زیبا است و به لحاظ کاربردی نیز در سال‌های اخیر توانسته است جایگاه خوبی در جامعه پیدا کند و بازار کار داشته باشد.

□ **اطلاعات و توانایی‌های هنرجویان رشته‌ی گرافیک برای کار در دفاتر گرافیکی چگونه است؟ آیا آموزش‌های داده شده کافی و کارآمد است؟**

■ این مسئله هدف درس کارورزی است که هنرجو بتواند اطلاعات نظری خود را کاربردی‌تر کند. حال این مورد اتفاق می‌افتد یا نه به خود هنرجویان نیز بستگی دارد. چون آن‌ها اطلاعات علمی و عملی را در حد متوسط یاد می‌گیرند؛ ولی برای استفاده‌ی بهتر از دانش خود باید قطعاً تجربه کسب کنند و در این‌جا خود فرد و علاقه و پیگیری او مهم است.

□ **با توجه به کاربردی بودن رشته‌ی گرافیک، آیا در آموزش این رشته هر دو جنبه‌ی زیبایی شناختی و فنی و تکنیکی (مثل**

(حدود ۸۷ سال پیش) به این صورت نبود و مادرش کارگاه گرافیکی داشتیم که تمامی دروس مانند صفحه‌آرایی، تصویرسازی، خط در گرافیک و... در ۶ یا ۸ ساعت با هم ارائه می‌شدند. این‌جا خوشحالی است که تنوع و جداسازی دروس تخصصی به صورت ویژه انجام گرفته است. همچنین یک سری دروس عمومی تخصصی داریم، مانند تاریخ هنر ایران و تاریخ هنر جهان که لازم است هنرجویان با آن‌ها آشنا شوند.

در رابطه با بازار کار، این رشته هم بازار دولتی دارد مانند صدا و سیما، شهرداری، آموزش و پرورش و... و هم بازار کار آزاد. در حال حاضر بیشتر هنرجویان جذب کار آزاد می‌شوند و در بخش خصوصی در شرکت‌های مختلف تبلیغاتی، مطبوعاتی و... می‌توانند مشغول به کار شوند.

□ **برخی از مردم رشته‌ی گرافیک و نقاشی را یکی می‌پندارند. تفاوت‌ها و وجه اشتراک این دو رشته را کمی بیشتر توضیح بدهید.**

■ فکر می‌کنم علتش نداشتن اطلاعات کافی خود دانش‌آموزان و عدم اطلاع‌رسانی دست‌اندرکارانی است که در ارتباط با این دو رشته فعالیت می‌کنند. واقعیت این است که نقاشی و گرافیک دو رشته‌ی کاملاً از هم جدا هستند. گرافیک از رشته‌های هنری کاربردی است و هنرمند وظیفه دارد که پیام را به مخاطب خود توسط شاخه‌های متنوع این رشته مانند پوستر، تصویرسازی و... برساند، ولی در نقاشی ارتباط با مخاطب اجباری

آشنایی با صنعت چاپ) در نظر گرفته می‌شود؟

■ به نظر من هنرجویان باید با صنعت و تکنولوژی آشنا شوند، ولی این مسئله به این موضوع مربوط است که هنرجوی هنر واقعاً علاقه‌مند باشد و این انگیزه در او وجود داشته باشد که بخشی از کار را که احساس می‌کند نیاز به یادگیری دارد و در برنامه درسی‌اش وجود ندارد خودش خارج از برنامه‌ی درسی دنبال کند؛ زیرا در دو سال تحصیلی هنرستان فرصت برای آموزش تمامی فنون وجود ندارد؛ با این وجود واحد کارآموزی فرصت خوبی برای یادگیری و استفاده از تکنولوژی و فنون می‌باشد.